



آثار زندگی هدف‌مند در قرآن



مقدمه

قرآن کریم زندگی پاک و پاکیزه را زندگی هدف‌مند می‌داند و همین زندگی پاک و پاکیزه است که از سعادت دنیوی و اخروی برخوردار است؛ قرآن کریم زندگی هدف‌مند را حیات طیبه نام‌گذاری کرده است که این حیات، مطلوب قرآن کریم است و اولیای الهی، مؤمنین و صالحین برخوردار از این زندگی بوده‌اند. ائمه معصومین علیهم‌السلام همیشه در دعاهای شان از خداوند زندگی پاک و پاکیزه درخواست می‌کردند امام حسین علیه‌السلام در نماز دعا می‌کنند: فظهرنی بظهورک و تقبل صلاتی و دعائی بقبول حسن و طیب بقیه حیاتی و طیب وفاتی و اخلفنی فیمن اخلف و احفظنی یا رب بدعائی و اجعل ذریه طیبه تحوطها بحیاطنک بکل ما حطت به ذریه احد من اولیائک و اهل طاعتک؛ پروردگارا! به پاک‌ی خودت مرا پاک ساز و نماز و نیایشم را به بهترین پذیرش بپذیر، ادامه زندگی من را پاکیزه قرار ده و مرگ پاک و پاکیزه به من ببخش، فرزندان و ذریه پاک به من ارزانی دار، آن گونه که به دوستان و فرودستانت ببخشد.

قرآن می‌فرماید: مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ هر کس از مرد و زن که عمل صالح انجام می‌دهد در حالی که ایمان داشته باشد به او زندگی پاک و پاکیزه‌ای می‌دهیم. همان‌طور که در آیه کریمه خواندیم کسی که عمل صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن در صورتی که مؤمن باشد او را به حیات طیبه احیا می‌کنیم.

با توجه به این آیه برای حصول حیات طیبه دو چیز لازم است: اول ایمان و دوم عمل صالح، هر دو باید با هم باشند. اگر یکی از آن‌ها نباشد ولی دیگری نباشد حیات طیبه تحقق پیدا نمی‌کند. برای همین اگر کسی آدم خوب

و مؤمنی باشد اما عمل صالح و مثبت نداشته باشد از حیات طیبه برخوردار نخواهد بود. و همین‌طور اگر کسی کار خوب بکند ولی ایمان نداشته باشد باز هم از حیات طیبه برخوردار نخواهد بود.

بنابراین دو گروه از حیات طیبه بهره نخواهد برد: ۱- گروه اول کسی است که مؤمن نباشد ولو کار مثبت انجام دهد، آن کار هیچ فایده‌ای ندارد. همان طوری که در قرآن کریم آمده است: وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ آن کس که به ایمان کفر ورزد عملش تباه شده است و در قیامت از زیانکاران است.

۲- گروه دوم کسانی‌اند که مؤمن باشند ولی عمل صالح نداشته باشند؛ چون اظهار ایمان بوسیله اعمال شایسته ضروری است. فقط ایمان کفایت نمی‌کند. همان‌طور که وقتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام درباره ایمان سؤال شد، حضرت چنین فرمودند: وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَاقٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ وقتی از امام علیه‌السلام درباره ایمان پرسیده شد فرمودند: ایمان معرفت به قلب و اقرار به زبان و انجام دادن با اعضا است.

از این سخن حضرت علی علیه‌السلام مشخص می‌شود که ایمان کافی نیست بلکه اظهار به وسیله زبان و نیز عمل به ارکان دین ضروری است.

آثار زندگی هدف‌مند

۱- نجات از غم و اندوه

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ هر گاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آن‌ها است و نه غمگین خواهند شد.

از این آیه کریمه معلوم می‌شود که دارای حیات طیبه هیچ خوف و اندوه ندارند نه در دنیا و نه در آخرت و در حالت امن هستند؛ حال آن که خوف آخرت به قدری شدید است که قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید:

يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنَ آخِيهِ وَ آوَدَ بِهِ وَ حَسْبَيْهِ وَ بَيْنَهُ؛ در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد و مادر و پدرش و زن و فرزندانش.

در حدیثی آمده است که از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سؤال کردند که آیا در روز قیامت انسان به یاد دوست صمیمی‌اش می‌افتد؟

اگر کسی آدم خوب و مؤمنی باشد اما عمل صالح و مثبت نداشته باشد از حیات طیبه برخوردار نخواهد بود.

در جواب فرمودند: سه جایگاه است که هیچ کس در آن‌ها به یاد هیچ کس نمی‌افتد، اول پای میزان سنجش اعمال است تا ببیند آیا میزانش سنگین است یا سبک؟ سپس صراط است تا ببیند آیا از آن می‌گذرد یا نه؟ سپس به زمانی است که نامه‌های اعمال را به دست انسانها می‌دهند تا ببیند آن را بدست راستش می‌دهند یا دست چپ؟ این است جایگاهی که در آن‌ها کسی به فکر کسی نیست؛ نه دوست صمیمی، نه یار مهربان، نه افراد نزدیک، نه دوستان مخلص، نه فرزندان و نه پدر و مادر و این همان است که خداوند متعال می‌فرماید: «در آن روز هر کس به قدر کافی به خود مشغول است».

در نتیجه از این آیه کریمه و حدیث معلوم می‌شود که روز آخرت خیلی سخت است؛ کسی که دارای حیات طیبه باشد برای آن هیچ خوف و غم و اندوه نیست.

۲. رسیدن به درجات عالی

از جمله آثار دیگر حیات طیبه این است که دارندگان این حیات به مقام و درجات نائل می‌شوند. در قرآن آمده است:
 وَ مَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ۗ هُرَّ كَسًا بِأَيْمَانِ نَزْدًا أَوْ أَيْدٍ وَأَعْمَالِ صَالِحٍ انْجَامِ دَادَةٌ بَشَائِدٍ چنانچه کسانی درجات عالی دارند.

کلمه درجه به معنای منزلت است منزلتی که در آن صعود باشد، مانند درجات نردبان!

۳. برترین مخلوق

کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد خداوند او را بهترین مخلوق خود قرار می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:
 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۗ کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات خدا هستند.

ابن عباس می‌گوید: هنگامی که آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی ﷺ فرمود: وَ هُوَ أَنْتَ وَ شِعْرُكَ تَأْتِي أَنْتَ وَ شِعْرُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مُرْضِينَ ۗ وَ بَأْتِي أَعْدَاؤُكَ غَضَابًا مُفْتَحِينَ ۗ منظور از این آیه که شیعیان هستند که در روز قیامت وارد عرصه محشر می‌شوند در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است. و دشمنان خشمگین وارد محشر می‌شوند و به زور به جهنم می‌روند.

۴. خلافت الهی و وراثت زمین

هر کس دو خصیصه حیات طیبه یعنی ایمان و عمل صالح را با هم داشته باشد، خداوند جانشینی خودش بر روی زمین را به او خواهد داد.
 ۱۱ در قرآن کریم این چنین اشاره شده است: وَ عَدَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ۗ ۱۲ خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد.

خلافت در زمین به معنای نیابت از غیر می‌باشد. استخلاف در ارض، سلطنت و ریاست بر تمام کره زمین است.

علامه طباطبایی رتبت می‌فرماید: این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنینی که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دین‌شان را در زمین متمکن می‌سازد؛ امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خداوند را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند.

این است که مصادیق این آیه چه اشخاصی هستند!

بدون شک آیه شامل مسلمانان نخستین می‌شود و یقیناً حکومت مهدی (عج) که طبق عقیده عموم اعم از شیعه و اهل تسنن سراسر روی زمین را بر از عدل می‌کشد، بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد، مصداق کامل این آیه است ولی با این حال مانع از عمومیت و گسترده‌گی مفهوم آیه نخواهد بود.

همچنین

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ۗ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند رحمان محبتی برای آنان قرار می‌دهد. حال آیا مصداق آیه شخص مخصوصی است یا عموم مردم نیز هستند؟

اگر با وسعت نظر به مفاهیم وسیع آیه ببیندشیم خواهیم دید که هم شامل مؤمنان می‌شود هم شامل امیرالمؤمنین ﷺ که هیچ تضادی هم ندارند. بعضی آن را درباره علی بن ابی طالب ﷺ دانسته‌اند و در روایات بسیاری به آن اشاره شده است. بدون شک درجه عالی، مرحله بالایی آن مخصوص امام متقین می‌باشد ولی این مانع از آن نخواهد بود که در مراحل دیگر همه مؤمنان و صالحان را شامل باشد و از این مودت الهی سهمی ببرند و احادیث هم این مطلب را تأکید می‌کنند.

۶. عتاید به امداد الهی

کسی که دارای حیات طیبه باشد خداوند متعال به ایشان یک روح عطا می‌کند که آن را تأیید می‌کند و این روح منشاء ادراکات و کمالات است که دیگران از آن محروم هستند.

قرآن کریم می‌فرماید: لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَتَدَّبَهُمْ رُوحٌ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۗ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روزستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند؛ هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان باشند. آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده، و آن‌ها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است. آیا ایسن روح الهی که خداوند مؤمنان را با آن

در سه جایگاه، کسی به فکر کسی نیست؛ پای میزان سنجش، سرپل صراط و هنگام تحویل نامه‌های اعمال.

تأیید می‌کند تقویت پایه‌های ایمان است یا دلایل عقلی یا قرآن و یا فرشته بزرگ خدا که روح نام دارد؟ صاحب تفسیر نمونه می‌فرماید ولو احتمالات مختلفی ذکر شده‌اند ولی جمع میان همه اینها نیز امکان‌پذیر است. خلاصه این روح یک نوع حیات معنوی جدید است که خداوند بر مؤمنان افاضه می‌کند.^{۱۱}

۷- آمرزش و پاداش بزرگی

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ^{۱۲} خداوند به آن‌ها که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است.

مغفرت در اصل به معنای محو شدن اثر است. این امر بیشتر در مورد گناه و معصیت به کار می‌رود و مفهوم محو عام است؛ لذا مفهوم ستر (پوشاندن)، الصفح (عفو و گذشت) (اصلاح (صلح) از لوازم محو شدن اثر می‌باشند^{۱۳} و اجر به معنای مزد، ثواب و پاداش که در مقابل عمل نیک به انسان می‌رسد.^{۱۴} فرقی میان اجر و ثواب، این است که ثواب، در برابر طاعات است و لی اجر، مزدی است که در عوض کاری داده می‌شود.^{۱۵}

در جای دیگری از قرآن آمده است که: وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ^{۱۶} هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن باشد، وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی حسابی به آن‌ها داده خواهد شد.

۸- دوری از ستم

قرآن کریم می‌فرماید: وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا^{۱۷} کسانی که اعمال صالحی انجام می‌دهند، در حالی که ایمان دارند، آن‌ها نه از ظلم و ستم می‌ترسند (یعنی در حق ایشان ظلم نمی‌شود) و نه در حقشان نقصان بر کمی و کاست می‌شود.

البته این که گفته شده در حق ایشان ظلم نمی‌شود و از حقشان چیزی کم نمی‌شود به این معنی نیست که در حق کسانی از این حیات برخوردار نیست ظلم می‌شود؛ بلکه مراد این است پاداش و اجر دارندگان



**حضرت علیؑ:
ایمان معرفت به قلب و اقرار به
زبان و انجام دادن با اعضاست.**

حیات طیبه به آن‌ها داده می‌شود ولو یک عمل کوچک انجام داده باشند در هر صورت به ایشان اجر و پاداش داده می‌شود.

هضم در لغت به معنای نقص است^{۱۸} و اگر جذب شدن غذا به بدن را هضم می‌گویند به این دلیل است که آن غذا ظاهراً کم می‌شود. در مورد فرق ظلم و هضم می‌توان گفت که ظلم به این اشاره دارد که آن‌ها در آن دادگاه عدل هرگز از این بیم ندارند که سستی بر آن‌ها بشود و به خاطر گناهی که انجام نداده‌اند مؤاخذه گردند و هضم اشاره به آن است که از نقصان ثوابشان نیز وحشتی ندارند؛ چرا که می‌دانند پاداش آن‌ها بی کم و کاست داده می‌شود.^{۱۹}

پی‌نوشت‌ها:

۱. جمال الاسوع صلاه الحسين علی، سیدابن طاووس، ص ۲۷۲.
۲. نحل: ۹۷.
۳. مانند: ۲۲.
۴. کلمات قصار: ۲۱۸ فیض الاسلام.
۵. مانند: ۶۹.
۶. عس: ۳۴-۳۶.
۷. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۸۶.
۸. طه: ۷۵.
۹. المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۱۰.
۱۰. بینه: ۷.
۱۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۶۱، حدیث ۱۱۲۶.
۱۲. نور: ۵۵.
۱۳. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۵۶.
۱۴. میزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.
۱۵. نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳.
۱۶. مر: ۱۶.
۱۷. نمونه، ج ۱۳، ص ۱۲۴.
۱۸. مجادل: ۲۲.
۱۹. نمونه، ج ۲۳، ص ۴۷۰.
۲۰. مانند: ۹.
۲۱. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۶۳.
۲۲. مفردات، ص ۶۴.
۲۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۳۲.
۲۴. غافر: ۴۰.
۲۵. طه: ۱۱۲.
۲۶. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۸۶.
۲۷. نمونه، ج ۱۳، ص ۳۰۸.